



۲۰۱۸/۱۱/۰۴

دوکتور نور احمد خالدی

بررسی مسئله خط دیورند

قسمت دوم

موقف دولتهای بعدی افغانستان و سایر ممالک در مورد خط دیورند:

۱-۴ موقف دولتهای افغانستان:

بعد از گذشت نزدیک به هفتاد سال اعلامیه 1949 دولت افغانستان در مورد لغو معاهدات با هند برطانوی هنوز هم به قوت خود باقیست. در آنزمان دولت امریکا از ارجاع این منازعه به سازمان ملل متحد جلوگیری نمود. از آنسال به این طرف هیچ دولت افغانستان بشمول دولتهای سلطنتی، جمهوری داوود خان، جمهوری دموکراتیک پرچم-خلق-وطن، جمهوری اسلامی مجددی، جمهوری اسلامی ربانی-مسعود، امارت اسلامی طالبان، و دولت جمهوری اسلامی موجوده افغانستان خط دیورند را به عنوان سرحد رسمی بین المللی افغانستان برسمیت نشناخته اند.

۲-۴ موقف دولت برطانیه:

پس از آنکه شاه محمود خان در سال 1946 به صدارت رسید، نامه‌هایی به دولت بریتانیا فرستاد و خواستار تعیین سرنوشت پشتون‌های آن طرف خط دیورند شد، او در بجنوبه تقسیم و استقلال هندوستان در نامه‌های خود از بریتانیا خواسته بود: "برای پشتونها و بلوچ‌ها هم فرصت داده شود تا حکومت خود را تشکیل دهند یا به افغانستان بپیوندند."

اما دولت بریتانیا در برابر درخواست‌های شاه محمود نوشت: "سؤال سرحدات آزاد حل و فصل شده‌است و خط دیورند به حیث یک سرحد و حد فاصل بین‌المللی شناخته شده‌است. پیمان ۱۹۲۱ (۱۳۰۰ هجری شمسی) هنوز مورد تطبیق و موجود است که خط قبلی دیورند را دوباره تأیید می‌کند" و همچنین به افغانستان هشدار داده بود، "پس از تحویل قدرت از حکومت هند بریتانیایی به هند و پاکستان، از هرگونه دخالت و اعمال تحریک‌آمیز خود داری کند."

۳-۴ موقف دولت پاکستان در مورد خط دیورند:

کشور پاکستان نیز در نخستین روزهای تشکیل خود در برابر ادعای افغانستان اعلان کرد: "خط دیورند که در معاهده سال ۱۸۹۳ مشخص شده است، به حیث مرز بین‌المللی قابل اعتبار است که متعاقباً در چندین موارد، جانب افغانستان آن را تأیید نموده‌است. نقشه این خط بین‌المللی به هرگونه ادعای جانب افغانی

در مورد خودمختاری ارضی یا نفوذ بر مردم شرق دیورند نقطه پایان گذاشته است. پاکستان بمثابه دولت جانشین هند بریتانوی مالک کامل این منطقه و مردم آن می‌باشد، حق و مسئولیت یک دولت جانشین را بدوش دارد".

افغانستان تنها کشوری بود که به عضویت پاکستان در سازمان ملل رای منفی داد. عبدالحسین عزیز نماینده افغانستان در سازمان ملل ابتدا در ۳۰ سپتامبر ۱۹۴۷ به عضویت پاکستان در سازمان ملل رای منفی داد و ادعا کرد افغانستان ایالت سرحد شمال غربی را به عنوان بخشی از خاک پاکستان نمی‌پذیرد و تا زمانی که شرایط آزاد برای خودمختاری مردم این ایالت در پیوستن به پاکستان یا استقلال سرزمین شان مساعد نشود، افغانستان از این موقف خود دست نخواهد کشید. اما سپس نماینده مذکور در ۲۰ اکتبر ۱۹۴۷ به عضویت پاکستان در سازمان ملل رأی مثبت داد و ابراز امیدواری کرد که هر دو کشور اختلافات خود را از راه مذاکره و دیپلماتیک حل کنند .

در اواسط نوامبر ۱۹۴۷ گفتگوهای میان افغانستان و پاکستان در خصوص منازعه دیورند در کراچی صورت گرفت. در این گفتگوها نجیب‌الله خان نماینده افغانستان از عدم شناسایی موافقت نامه دیورند و بازگردانی سرزمین‌های از دست رفته در این معاهده صحبت نکرد و اکثر خواسته‌ها در محور اعطای حق خودمختاری به قبایل آزاد سرحدی، ارتقای سطح مادی و معنوی زندگی پشتون‌ها در پاکستان و نامگذاری ایالت شمال غربی به نامی که معرف هویت قومی آن‌ها باشد، خلاصه می‌شد.

با افزایش جنگ سرد میان افغانستان و پاکستان، کشور پاکستان در ۱۲ جون ۱۹۴۹ قریه مغلگی پکتیا را بمباران کردند که در اثر آن ۲۳ نفر کشته شدند. سپس شورای ملی افغانستان و لویه جرگه تمام معاهدات قبلی افغانستان به شمول توافقنامه دیورند با حکومت هند بریتانیایی را ملغی اعلان کرد.

باآنکه دولت پاکستان رسماً در ظاهر قضیه دیورند را حل شده و مسدود میدانند (خط دیورند یک قضیه حل شده است، روزنامه تربیون اکسپرس پاکستان به نقل از وزارت خارجه پاکستان 2012) اما در باطن همواره کوشیده است دولتهای افغانستان رسماً این خط را به عنوان سرحد بین المللی میان دو کشور برسمیت بشناسند.

۴-۴ موقف امریکا:

کشور ایالات متحده آمریکا در خصوص مسئله دیورند از پاکستان حمایت کرده و از افغانستان همواره خواسته تا به مسئله دیورند پایان ببخشید. همچنین دولت آمریکا در سال ۱۹۴۹ از ارجاع این منازعه به سازمان ملل متحد که از سوی افغانستان ارائه شده بود، جلوگیری به عمل آورد. در زمان داوودخان کشور آمریکا حمایت خود را از دولت او مشروط به رسمیت شناختن مرز دیورند ساخت.

۴-۵ موقف افغانستان در یک محکمه بین المللی:

یکی از بیننده گان برنامه دورنما تلویزیون زرین سوال کرده بود که آیا موقف افغانستان در یک محکمه بین المللی امکان پیروزی دارد؟ جواب من به این سوال مثبت است. بلی اگر دولت افغانستان در یک محکمه حکمیت بین المللی تقاضا کند سرزمین هایبیرا که بر اساس معاهده دیورند از دست داده بود دوباره به خاک خود ضمیمه کند شانس پیروزی ادعای او فوق العاده زیاد است؟ چگونه؟ و چرا چنین ادعایی تا حال نکرده است؟ اگر افغانستان ضمیمه کردن مناطق قبایل آزاد سرحدی را به قلمرو خود از یک محکمه بین المللی تقاضا کند امکان پیروزی این ادعا چگونه خواهد بود؟

۴-۶ مشوره کتبی مشاور حقوقی خود دولت بریتانیا:

به تأیید لودویک ادامک، معاهده کابل برای سه سال قابل اعتبار بود. طرفین می‌توانند با اطلاع قبلی یکسال این معاهده را فسخ نمایند. بنابر همین نکته انگلستان همیشه از فسخ یکجانبه معاهده دیورند توسط دولت افغانستان ترس داشت (لودویک دبلویو ادامک، پروفیسور در پوهنتون آریزونا، دکشنری تاریخی افغانستان). بر اساس "قانون آزادی هندوستان سال 1947" دولت مستقل هندوستان و دولت جدید پاکستان متشکله 15 اگست 1947 وارث هند برطانوی آنچنانکه در "قانون 1935 دولت هندوستان" تعریف شده است، میباشند. بر اساس قانون دولت هندوستان منعقد سال 1935، مناطق آزاد قبایلی آنطرف خط دیورند شامل قلمرو هند برطانوی نبودند. این مطلب را طوریکه قبلاً دیدیم شخص خود مورتم دیورند بعد از عقد معاهده دیورند نیز تأیید کرده بود. مناطق آزاد قبایلی بصورت مناطق حایل در فاصله میان سرحدات ایالت شمال-غرب دولت هند برطانوی و خط دیورند در شرق و جنوب قلمرو افغانستان واقع شده اند.

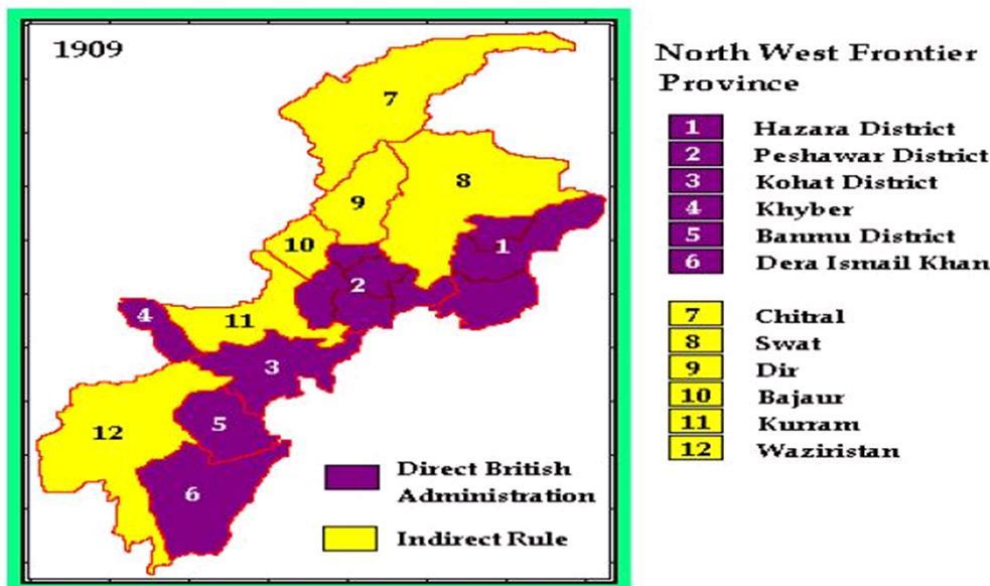
بنابر آن با ایجاد کشور پاکستان به حیث وارث قلمروهای هند برطانوی در غرب هندوستان مناطق قبایلی شامل قلمرو کشور پاکستان نمیباشند.

شواهد نشان میدهد که این مطلب حساس را مشاور حقوقی دولت بریتانیا در 5 نوامبر سال 1947 نیز نمیدانست. مشاور حقوقی دولت بریتانیا در انزمان به دولت خود مشوره داد که هرگاه از یک محکمه بین المللی تقاضا شود که آیا پاکستان وارث سرحدات بین المللی مطابق به ماده دوم معاهده سال 1921 کابل میباشد یا خیر، به نفع پاکستان نظریه داد.

در 28 اپریل سال 1949 طی یک نامه اشد محرمانه دفتر روابط کامنولث دولت بریتانیا مشاور حقوقی دولت بریتانیا را مطلع ساخت که "...ایالت شمالغرب دولت هند برطانوی تا سرحد افغانستان امتداد ندارد و مناطق قبایلی یک خالیگاه میان سرحد دولت هند برطانوی و سرحد هندوستان را تشکیل میدهند". از مشاور حقوقی تقاضا شد که با در نظر داشت این موضوع بالای مشوره سال 5 نوامبر سال 1947 خود تجدید نظر کرده در مورد نظریه تازه ارایه کند.

در 28 اپریل سال 1949 مشاور حقوقی دولت بریتانیا مجدداً نظریه داد که:

در 15 اگست سال 1947 (زمان تشکیل کشور و دولت پاکستان)، بنابر آن، مناطق قبایلی ایالت شمالغرب در حالت بین المللی سردرگم قرار گرفته، مربوط به هیچ دولتی نشدند. در چنین حالتی مناطق قبایلی مستقل از پاکستان نمیتوانست وارث سرحدی باشد که در معاهده سال 1921 با افغانستان تعیین شده بود و یا وارث هرگونه حقی باشد مطابق ماده دوم این معاهده باشد. باوجود آن این به این معنی نیست که خط دیورند بعد از این سرحد بین المللی افغانستان نمیباشد... اما این امکان وجود دارد که پاکستان نتواند کدام اعتراض قانونی نماید در صورتیکه قبایل خود را تحت حمایت افغانستان قرار دهند و یا با توافق اقوام، افغانستان این مناطق را ضمیمه خاک خود کند...." (منبع: لودویک دبلویو ادامک، دکشنری تاریخی افغانستان، سال 2012).



خط دیورند و مناسبات سیاسی با پاکستان:

۱-۵ اهمیت قضیه خط دیورند:

از سال 1893 م به اینطرف و بخصوص بعد از ایجاد پاکستان تا امروز مسئله خط دیورند به حیث یک عنصر اساسی سیاست خارجی دولت افغانستان باقیمانده است. برای افغانستان از دست دادن مناصف قلمروهای پشتون نشین و از دست رفتن دو سوم حصه نفوس بزرگترین قوم کشور است. بر اساس احصاییه های رسمی پاکستان نفوس پشتونهای آنطرف خط دیورند در حدود 40 میلیون نفر حساب شده است که بعد از پنجابی ها دومین قوم پرنفوس در پاکستان به شمار می آیند. برعلاوه با از دست دادن بلوچستان، افغانستان دسترسی به آبهای بحیره عرب و بحر هند را بجز از طریق خاک پاکستان از دست داد. طوریکه دیدیم دولتهای متواتر افغانستان در طول ۱۲۵ سال گذشته خط دیورند را به عنوان سرحد بین المللی قبول نکرده و آزادی رفت و آمد مردم قبایل دو طرف خط را تأمین کرده اند. بعد از ایجاد دولت جمهوری اسلامی افغانستان در سال 2001 سیاست رسمی دولت در مورد قضیه دیورند آن بوده که حل قضیه دیورند مربوط به اقوام دو طرف خط بوده و دولت افغانستان صلاحیت تصمیم گیری را در موضوع ندارد. رییس جمهور کرزی روز شنبه 14 ثور 1392 در یک کنفرانس خبری در کابل گفت حملات سرحدی از سوی پاکستان دو دلیل دارد: یکی جلوگیری از پیشرفت و ترقی افغانستان و دومی، فشار برای به رسمیت شناخته شدن خط دیورند. کرزی گفت: "دلیل دوم شاید این باشد که مردم افغانستان مجبور شوند تا سر خط دیورند به مذاکره بنشینند و این خط دیورند را به رسمیت بشناسند."

آقای کرزی تاکید کرد تمام تلاش ها برای جلوگیری از پیشرفت افغانستان و همچنین به رسمیت شناختن خط دیورند، نتیجه ای نخواهد داد: "آن هایی که به این اقدامات وحشت و دهشت دست می زنند، کامیابی حاصل نمی کنند. ملت افغانستان از روزی که انگلیس ها این خط را ایجاد کردند، آن را نپذیرفته اند" (به نقل قا و بسایت صدای آلمان).

برای پاکستان مسئله دیورند یک مسئله حیات و ممت است. مناطق مورد دعوا در حدود 60% خاک پاکستان را احتوا میکند. احتمال اینکه پاکستان فیصله یک محکمه بین المللی را برای واپس دادن مناطق غضب شده خط دیورند به افغانستان داوطلبانه قبول کند بسیار کم خواهد بود. از جانب دیگر قدرتهای جهانی منجمله امریکا، انگلستان و چین نیز در دفاع از پاکستان شدیداً با این موضوع مخالفت خواهند کرد.

در طول سالهای جنگ سرد، تبارز افغانستان به عنوان دوست شوروی و پاکستان به مثابه هم پیمان نظامی امریکا و اختلافات این دو در قضایای جهانی و منطقوی، سبب آن شد تا مسئله دیورند هم چنان لاینحل باقیمانده و به آن توجه جدی صورت نگیرد.

کودتا های 26 سرطان 1353، و متعاقب آن کودتای 7 ثور 1357 و پناهندگی یکتعداد چهره های سیاسی افغانستان بدولت پاکستان برای دولت پاکستان یک شانس طلایی فراهم کرد تا دولتهای افغانستان را بی ثبات نموده، ساقط کند و دولت و اردوی افغانستان را نابود نماید و افغانستان آنقدر قوی نشود که بتواند یکجانبه سرحدات فعلی با پاکستان را تعدیل نماید.

با ایجاد دولت مجاهدین در سال 1992 پاکستان عملاً به این آرزوی خود دست یافت، و قادر شد ساحتمان اداره دولت و نیروهای امنیتی افغانستان را کاملاً تخریب نموده در نهایت یک رژیم قرون وسطایی طالبان را در افغانستان مستقر نماید. بعد از ایجاد دولت جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس کنفرانس بن، با وجود تظاهر به حسن نیت، پاکستان هیچ فرصتی را برای بی ثبات کردن افغانستان و دولت جدید آن از دست نداد.

۵-۲ سیاست لوی افغانستان:

کسانی هم هستند که آرزومند "لوی افغانستان" با اتحاد اقوام پشتون و بلوچ آنطرف خط دیورند میباشند. با توجه به آنکه پاکستان شش برابر افغانستان نفوس دارد و دارای یک اردوی بسیار قوی و همچنان اقتصاد بزرگتر است راهاییکه افغانستان قادر خواهد شد سرزمینهای از دست رفته خود را باز پس بگیرد عبارت خواهند بود از:

- سقوط دولت پاکستان؛
- به احتمال زیاد در نتیجه جنگ چهارم با هندوستان؛
- بروز یک جنگ داخلی در پاکستان؛
- بروز یک انقلاب داخلی در پاکستان؛
- و یا تمام امکانات فوق .

برای پیشگیری از سناریوهای فوق پاکستان همچنان به یک حامی خارجی نیاز دارد و این حامی خارجی زمانی امریکا بود و امروز این نقش را چین به عهده گرفته تا از موجودیت پاکستان در مقابل هندوستان ضمانت نماید. اخیراً قیام ملیونی پشتونهای آنطرف خط دیورند تحت عنوان "جنبش حفاظت پشتونها" تحت قیادت منظور پشتین امیدواریهای فراوانی را در میان طرفداران جنبش "لوی افغانستان" ایجاد کرده است. این قیام در حالت نطفوی بوده تاکنون تشکل لازم با اهداف مشخص را نیافته است. اهداف اعلان شده جنبش برابری پشتونها در تمام زمینه ها با سایر اقوام ساکن پاکستان میباشد. رهبران این جنبش از مسدود شدن پیهم راههای تجارتي ومواصلاتی با افغانستان شکایت کرده و مدعی اند که این سیاست پاکستان منجر به ورشکستگی اقتصاد مناطق آزاد قبایلی یا فاتا (FATA) شده است. آنها میگویند رهبران پنجابی با وجود اختلافات سیاسی با هندوستان همیشه بندر واگه

را با هند باز نگاهداشته اند در حالیکه برعکس بنادر با افغانستان را متواتر مسدود میکنند. آصف غفور سخنگوی اردوی پاکستان گسترش این جنبش را کار اداره امنیت ملی افغانستان قلمداد کرده از حمایت گسترده پشتونهای ساکن افغانستان که در رسنه های اجتماعی منعکس شده در هراس هستند. (وبسیات انگلیسی گندهارا تاریخ 11 اپریل 2018).

نتیجه و راههای عملی حل قضیه :

۶-۱ شناخت رسمی خط دیورند یا همه پرسی عمومی در میان اقوام پشتون و بلوچ پاکستان: شناختن خط دیورند از جانب افغانستان در بدل ختم حمایت پاکستان از طالبان و سایر گروههای تروریستی. امکانات این راه حل بسیار کم است. مسئله خط دیورند برای دولت افغانستان به مثابه یک مسئله ناموسی است. از جانب دیگر دولت پاکستان هرگز قبول ندارد که حامی عملیات نظامی طالبان میباشد.

حل این مسئله از طریق مذاکرات جانبین و رسیدن به یک راه حل؛ بطور مثال توافق به تطبیق یک ریفراندم یا همه پرسی عمومی در میان اقوام پشتون و بلوچ پاکستان تحت نظارت ملل متحد و دادن حق انتخاب به آنها برای برگزیدن.

- دوام حاکمیت پاکستان،
- پیوستن به افغانستان و یا
- استقلال سیاسی .

راه حل دومی یگانه راه منطقی به نظر می آید و با توجه به ادعای پاکستان که اقوام پشتون و بلوچ ساکن پاکستان در 125 سال حاکمیتهای هند برطانوی و پاکستان کاملاً با سایر مردم پاکستان، منجمله پنجابی ها و سندھیا از جهات فرهنگی، سیاسی، اداری مدغم شده اند، پاکستان نباید در این مورد کدام مشکلی را ببیند. اما امکان اینکه مردمان پستون و بلوچ راه حل استقلال سیاسی و ایجاد کشور مستقل خود را انتخاب کنند بسیار زیاد موجود است. از این رو توافق پاکستان در این مورد بسیار نا ممکن به نظر میخورد.

۶-۲ ایجاد یک پارتنرشپ فعال همکاری افغانستان و پاکستان:

بنابر آن یگانه راه منطقی در مقابل سیاستمداران افغانستان و پاکستان آن است تا با ایجاد یک پارتنرشپ فعال همکاری منطقوی در زمینه های انکشاف اجتماعی قبایل سرحدی، انرژی، ترانسپورت، تعلیم و تربیه، تجارت، ساینس و تکنالوژی، ایجاد بازارهای آزاد تجاری، باز کردن بیش از پیش نقاط عبور و مرور بندری برای اقوام سرحدی، مسئله خط دیورند را عملاً از اهمیت به اندازند. من این پیشنهاد را بیش از دو سال قبل کرده بودم.

شواهد نشان میدهد که رییس جمهور اشرف غنی نیز به همچون راه حلی عقیده دارد. اشرف غنی به مجرد گرفتن زمام قدرت برای ایجاد همچو یک پارتنر شب با پاکستان اقدام کرد و با دادن دست دوستی و امتیازات بدولت پاکستان، با وجود مخالفتهای زیاد داخلی اولین گام را بجلو گذاشت. متأسفانه این ابتکارات همکاری نزدیک سازمان های اردو و امنیتی دو کشور و آمادگی برای ایجاد طرحهای مشترک اقتصادی و ترانسپورتی با پاکستان از جانب پاکستان عکس العمل مناسب دریافت نکرد. در نتیجه نتایج مطلوبی را در تقلیل میزان جنگ در افغانستان و فعالیتهای تروریستی طالبان به میان نه آورد؛

برعکس پاکستان از یکطرف به بی ثبات ساختن مزید افغانستان از طریق تشدید فعالیتهای تروریست طالبان و سایر گروهها مبادرت کرد تا ز خلای ایجاد شده با خروج قوای ناتو حد اکثر استفاده را در قسمت نظامی بکند.

از جانب دیگر به ایجاد موانع ویژه و پاسپورت، احداث دیورها و خندقها و موانع سیم خار دار در طول خط دیورند پرداخت.

راه حل مشکلات سرحدی دوکشور موانع ویژه و پاسپورت، احداث دیورها و خندقها و موانع سیم خار دار نیست. این پالیسیها نه در میان دو آلمان موفق شدند و نه در کوریا موفق هستند. اگر حسن نیت موجود باشد و تروریزم از جانب دستگاههای امنیتی دولتها حمایه نگردد تزیید تعاملات و آزادی رفت و آمد ها و معاملات تجارتي و اجتماعی به مرور زمان مسئله خط دیورند را در عمل حل میکند.

بزرگترین میراث استعمار گران اروپایی ایجاد سرحدات مصنوعی بر منبای منفع نظامی و سیاسی استعماری زمان گذشته میباشد که با توجه به تاریخ و فرهنگ و تقسیمات قومی کشورها امروز قابل فهم نیستند. مشکل خط دیورند یکی از مثالهای بارز این چنین خطوط سرحدی غیر عادلانه استعناری است که در هفتاد سال گذشته بر مناسبات دو کشور افغانستان و پاکستان سایه انداخته و هرگاه از طرف سیاستمداران این دوکشور آگاهانه با آن مقابله نشود، همچنان سایه خواهد انداخت.

پایان قسمت دوم

قسمت سوم و اخیر: یادداشتها و مأخذ:

